



دکتر یحیی ماهیار نوابی

(سوئد)

غزلی از مولانا با قافیه یونانی

مولانا جلال‌الدین را غزلی است هفت بیتی، که قافیه‌های هر هفت بیت آن واژه‌هایی است یونانی. این غزل را می‌توان در دیوان وی معروف به "دیوان شمس تبریز" یافت. دسترسی بدین دیوان چندین هزار بیتی او را، باید سپاسگزار استاد فقید، شادروان فروزانفر بود.

(برای آگاهی از طرز کار و رنجی که وی در ویراستن این دیوان "کبیر" برده است و دستنویس‌هایی که از آنها استفاده کرده است، باید به مقدمه این دیوان، چاپ دانشگاه تهران، رجوع کرد.)

پیش از آن مرجع پژوهندگان، تنها، چاپ سنگی کتیاب پر غلط هند بود. پس از آن هم چاپ‌های دیگری از آن به بازار آمد، که ناچار، ماخذ آن‌ها، چاپ دانشگاه تهران بوده است. بعضی هم، "محض مزید فایده" "فرهنگنامه" ای بدان افزوده‌اند که در آن، حتی واژه "جمل" به چشم می‌خورد که خیال نمی‌کنم کسی باشد که معنی آن را نداند و در هیچ مورد هم بار سنگین معانی ژرف صوفیانه را به پشت نمی‌برد که تعبیر

و تفسیری بر آن لازم آید - ولی واژه‌های یونانی آن در همه جا نادیده گرفته و نابود انگاشته شده‌است. در فرهنگها و واژه‌نامه‌ها هم اثری از آنها نیست. حتی در " لغت نامه " دهخدا هم، برخلاف انتظار نیامده‌اند.

روزگاری که مولانا و پسرش، سلطان ولد، در کشور روم (اناطولی) می‌زیستند، زبان ادبی و دریاری آن دیار زبان فارسی، زبان مهاجمان سلجوقی، ترکی و زبان مردم بومی، گویشی یونانی بوده است، که تا آغاز سده بیستم، هنوز در بعضی جاها رواج داشته است، بنابراین این طبیعی است اگر واژه‌هایی از این دو زبان اخیر، یعنی ترکی و یونانی، در دیوان آن‌ها یافت شود.

آگاهی از شعرهای یونانی سلطان ولد را، سپاسگزار دوست دانشمندم استاد زرین کوبم. هنگامی که سخن از واژه‌های یونانی دیوان مولانا می‌رفت یاد آور شدند که سلطان ولد هم شعرهایی به یونانی دارد که در آثار او که در تهران چاپ شده، نیامده است ولی یکی از دانشمندان اروپایی مقاله‌ای در باره آن‌ها نوشته است.

در اندیشه یافتن این مقاله بودم تا گذرم به لندن افتاد. کتابخانه مدرسه زبان‌های شرقی دانشگاه لندن جای خوبی برای یافتن منابع تاریخ و ادب مشرق زمین است. ولی یافتن مقاله یا کتابی، که آدم نه نام آن را می‌داند، نه نویسنده آن را می‌شناسد و نه می‌داند در کجا چاپ شده است، کار آسانی نیست بلکه تقریباً محال است. اما من، بی هیچ رنجی، آن را به دست آوردم. در همان جا، یعنی در مدرسه زبان‌های شرقی، اندیشه خود را، با دوست دانشمند دیگری - استاد تورخان گنجهای، استاد زبان‌های فارسی و ترکی آن مدرسه - به میان نهادم، هنوز سختم به پایان نرسیده بود که نسخه‌ای از آن مقاله به دستم داد!

به عنبر فروشان اگر بگذری شود جامه تو همه عنبری

این مقاله را دو نفر به نامهای پ. بورگیر P. Bourguiere و ر. مانتران R. Mantran نوشته‌اند و در آن از سه تن دیگر که پیش از آن‌ها، در این باره به پژوهش پرداخته‌اند، یاد کرده‌اند. مقاله‌های آن سه تن را نیز در کتابخانه پادشاهی سوئد در استکهلم و کتابخانه دانشگاه استکهلم یافتیم.

نخستین آن‌ها ی. فن همر J. von Hammer است که سه قطعه از رباب‌نامه سلطان ولد را، از روی تنها نسخه‌ای که بدان دسترسی داشته است (= نسخه وین در Wiener Hofbibliothek) عیناً در سالنامه ادبی وین

(Wiener Jahrbucher der Literatur, Anzeiger Blatt) ج ۴۸ - سال ۱۸۲۹ ص

۱۰۸-۱۲۰ چاپ کرده است. قطعه نخست یکمصد و پنجاه و شش بیت است، به ترکی، قطعه دوم بیت و یک بیت است که بیست بیت نخست آن یونانی و بیت بیست و یکم فارسی است و قطعه سوم هفت بیت به فارسی است و آن‌ها را متن کهن زبان سلجوقی می‌خواند:

(Alte seldschukische Sprachtext) خط این دستنویس بد و سواد نویسنده از خطش بتر است، با کاری که به سر این هفت بیت فارسی، با کاهش‌ها و افزایش‌های بی جا و بدنویسی‌ها آورده است، میتوان به وضع متن یونانی که به خط فارسی نوشته شده و مشکلاتی که بیچاره " فن همر " در خواندن آن، در پیش داشته است، پی برد. به هر حال تا آنجا که توانسته است پاره‌ای از واژه‌ها را به خط یونانی برگردانده و معنی کرده است. هفت بیت فارسی را هم به شعر آلمانی ترجمه کرده است. (بدی خط دستنویس باعث شده است که واژه " بجد " را " ابجد " بخواند و A B C ترجمه کند.)

پس از او، کارل زالمن (C.Salemann) در مجله فرهنگستان علوم سن پترزبورگ

Bulletin de L, Academie des Sciences de St. Petersburg.Nouv .

Ser.II.293- 365(= Melanges Asiatiques. X 1891, 173).

مقاله‌ای با عنوان: " دیگر بار [در باره] اشعار سلجوقی "

(Noch einmal die Seldschukidischen verse)

به چاپ رساند که پژوهشی است در باره بیت‌های ترکی و یونانی " رباب نامه ". مأخذ وی برای اشعار ترکی دستنویس موزه آسیایی پترزبورگ و برای شعرهای یونانی مجموعه Szillagy بوداپست بوده است. (نک. مقاله گوستاو مایر) شماره بیت‌های یونانی این مجموعه (۲۲) است، یعنی دو بیت بیش از دستنویس وین دارد. این دو بیت، بیت‌های چهارم و پنجم این قطعه، در این مجموعه است. ظاهراً یکسان بودن واژه‌های نخست بیت پنجم و هفتم این قطعه باعث از قلم افتادن این دو بیت از نسخه، وین شده است. وی هر دو نسخه را بیت به بیت با هم سنجیده و نظر اصلاحی خود را برای هر کلمه و بیت، تا آنجا که می‌توانسته، داده است.

سپس گوستاو مایر Gustav Meyer است که باز، در این باره، یعنی شعرهای یونانی

" رباب نامه " " Die griechischen verse vo Rebabname " در مجله [پژوهشهای] بوزانتینی Byzantinische Zeitschrift سال ۱۸۹۵، ۴ ص ۴۰۶ - ۴۱۱، مقاله‌ای چاپ کرد و کار دو پژوهنده یاد شده را با نسخه آکسفورد، که توسط " مارگولیت " به دستش رسیده بود، سنجید و متن انتقادی دیگری از این بیست و دو بیت پدید آورد.

پس از این سه تن، دو پژوهنده یاد شده در بالا، یعنی پ. بورگیر P.Bourguiere و R.Mantran مانتران کار آن‌ها را دنبال کردند و پژوهش خود را به عنوان " چند شعر یونانی از سده سیزدهم به خط عربی "

(Quelques vers Grecs du VIII siecle en Caracteres Arabes.)

در مجله بوزانتیون Byzantion سال ۲۲، ۱۹۲۵ ص ۶۳ - ۸۰ به چاپ رساندند. این دو، پژوهش‌های سه تن پیشین را در نوشته خود یاد، و بار دیگر بیست و دو بیت یونانی " ریاب نامه " را به خط فارسی (عربی) و یونانی چاپ و آن‌ها را به زعم خویش معنی کرده‌اند. توضیحاتی انتقادی نیز از پاره‌ای از واژه‌ها داده‌اند.

همچنین بیست بیت و دو مصراع یونانی دیگر از دیوان سلطان ولد را، به همان شیوه، به خط یونانی برگردانده و ترجمه و تفسیر کرده‌اند.

(سه بیت از غزل ۸۱، پنج بیت از غزل ۵۰۴، دو مصراع از غزل ۵۸۲ و یازده بیت از غزل ۸۸۵، دیوان ویراسته ف. ن. اوزلوک (F.N.Uzluک)

از مولانا هم چهار بیت تمام و هفت مصراع و دو پاره از دو مصراع را که به یونانی است و در سه غزل از دیوان شمس تبریز آمده است (دستنویس شماره ۶۷ k کتابخانه موزه قونیه) مانند بیت‌های پیشین به خط یونانی نوشته و ترجمه کرده‌اند. ولی از واژه‌های یونانی دیگر که جابه جا در دیوان وی یافت می‌شود و بویژه از قافیه‌های غزلی که عنوان این مقاله است سخنی به میان نیست.

و این است آن غزل:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نیمشب از عشق تا دانی چه می‌گوید خروس

خیز شب را زنده‌دار و روز روشن نستکوس^۱

پرها بر هم زند یعنی درینا خواجهام

روزگار نازنین را می‌دهد بر آنموس^۲

درخروش است آن خروس و تو همی در خواب خوش

نام او را طیر خوانی نام خود را اثربوس^۳

آن خروسی که تو را دعوت کند سوی خدا

او به صورت مرغ باشد در حقیقت انگلوس^۴

من غلام آن خروسم که چنین پندی دهد

خساک پای او به آید از سر واسیلیوس^۵

گرد کفش و خاک پای مصطفی را سرمه ساز
تا نباشی روز حشر از جمله کالویروس^۶
رو شریعت را گزین و امر حق را پاس دار
گر عرب باشی و گر ترک و اگر سراکنوس^۷

اینک معنی واژه‌های یونانی:

۱ - نستکوس $\text{ΝΗΣΤΙΚΟΣ} < \text{ΝΗΣΤΙΑ}$ = روزه و معنی مصراع = خیز شب را زنده و روز روشن را روزه‌دار.

۲ - انموس Ανεμος = باد (سنج انگلیسی anemometer ، فرانسه anemometre = بادسنج).

۳ - اثرپوس ΑΝΘΡΩΠΟΣ آدمی، انسان (سنج انگلیسی (فرانسه) Anthropology (logie

۴ - انگلوس ΑΓΓΕΛΟΣ = فرشته (سنج. انگلیسی (فرانسه) Anges (ange)

۵ - واسیلیوس: ΒΑΣΙΛΕΥΣ شاه

۶ - کالویروس: ΚΑΛΟΓΕΡΟΣ راهب (moine) monk (معنی مصراع = تا روز حشر در شمار نامسلمانان و کافران نباشی)

۷ - سراکنوس ΣΑΡΑΚΗΝΟΣ نامی است که یونانیان و رومیان به عربان چادر نشین «بادیه‌الاشام» و کویرهای آن سامان که به مرزهای امپراطوری رم شرقی حمله می‌بردند، داده بودند = Saracenus ، Saracens .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموعه منابع فرهنگی سینمایی

دو کتابشناسی تازه درین مجموعه انتشار یافته است:

۱) مقاله نامه زن: از مریم رعیت علی آبادی، شهرزاد طاهری لطفی، نوشین عمرانی. تهران. دفتر پژوهشهای فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی. ۱۳۶۸. وزیری. ۲۳۶ ص.

۲۷۵۷ عنوان دارد.

۲) کتابشناسی سینما (۱۳۵۸ - ۱۳۶۶): از فرخنده سادات مرعشی. تهران. فیلمخانه ملی ایران با همکاری دفتر پژوهشهای فرهنگی. ۱۳۶۸. وزیری. ۵۱۸ ص.

۳۷۱۴ عنوان دارد.